

(۶)

اسلام با

دنباله‌رویهای غلط و خرافه پرستی

شدیداً مبارزه میکند

در شماره پیش، روح تقلید و خرافه پرستی را بعنوان دو عامل جلوگیر آزاد فکری، مورد بحث قرار دادیم و اینکه به چگونگی مبارزه اسلام با آنها می‌پردازیم.

محکمترین زنجیری که بدست اسلام پاره شد راههای مبارزه با تقلید و خرافات، در اسلام

مهمترین دژیکه اسلام فتح کرد و محکمترین زنجیری که دست و پای تفکر انسان را بسته بود و از آزادی فکرو وجدان مجرومش ساخته بود و اسلام آنرا پاره کرد، دژ خرافات و زنجیر اوهام و تقلید کورکورانه بود.

اینکه زنجیر خرافات و تقلید را محکمترین زنجیر، شمردیم، سخن گزاف و مبالغه آمیزی نیست، بلکه يك واقعیت غیر قابل انکاری است، زیرا چه بسا مردمی در اثر سوء تشخیص و جهالت مرتکب تقلیدهای کورکورانه و پای بند به اوهام و خرافه پرستی میشوند، ولی همان تقلید بی اساس و خرافات بی پایه، در اثر تکرار و گذشت زمان، جزء اعتقادات آنان درمی آید و بدیهی است که عقیده مهمترین عاملی است که آدمی را در زندگی رهبری میکند، و مبارزه با آن نیز، از هر مبارزه‌ای سخت تر و دشوار تر خواهد بود.

بخاطر همین جهت بوده هنگامیکه ابراهیم علیه السلام، مردم بت پرست شهر «بابل» را که از روی جهالت و تقلید، بتهاییکه بادت خود تراشیده بودند، پرستش میکردند مورد نکوهش قرار داد و فرمود: **اتعدون ما ننحتون** (۱) - آیا آنچه را که با دست خود

نرأشیده و ساخته‌اید پرستش میکنید ؟ !-

و نیز بخاطر همین عقاید خرافی و دنباله‌روی‌های غلط بوده ، وقتیکه پیغمبر اسلام ، مردم مکه را که بخدایان و بت‌های فراوان ، عقیده داشتند و در برابر آنها کرنش و عبادت میکردند دعوت بخدای یگانه نمود و آنها را از پرستش خدایان متعدد بر حذر میداشت ، آنان ، بجای آنکه در برابر منطق قوی و شکننده اوسر تعظیم فرود آورند و از عقاید خرافی و تقلیدی خود دست بردارند ، اورا متهم به دروغ و سحر و جنون کرده ، باحال اعجاب و شگفت میگفتند : ما از سب و شصت خدای خود ، دست برداریم و بخدای یگانه تو مؤمن شویم ؟ ! « **هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ أَجْعَلُ الْإِلَهَةَ الْهَاءُ وَاحِدًا أَنْ هَذَا لَشَىءٌ عَجَابٌ** » (۱)

و بطور کلی زجرها و شکنجه‌هاییکه انبیاء و پیغمبران و رجال فضیلت و اصلاح ، از مردم زمان خود دیدند ، و سرسختی‌ای که مردم در برابر روشهای اصلاحی آنان ، نشان میدادند ، اغلب ، بخاطر همین اعتقادهای غلطی بوده که آنان از راه تقلید و خرافه پرستی بدست آورده بودند .

خیلی دورنرویم ، هم اکنون به بینید « **نژاد پرستی** » چه سروصدائی در جهان پدید آورده است ، گروهی با اعتقاد اینکه سیاهپوستان ، حیوانهائی هستند انسان نما که برای خدمتگذاری سفیدپوستان آفریده شده‌اند ، تبعیضات نژادی را بعنوان يك اصل مقدس پذیرفته‌اند !

هر گاه افرادی مانند « **لینکلن** » و « **گندی** » بخواهند این تئوری افسانه‌ای را لغو کنند ، باید با ترور و قتل روبرو شده جان خود را روی آن ازدست بدهند ! (۲)

و نیز به بینید : « **گاو پرستی** » در هندوستان ، چه میکند ؟ چندی پیش ، روزنامه‌ها نوشتند : چون قحطی و گرسنگی مردم هندوستان را تهدید میکند ، تا جائیکه ۱۵۰ ملیون نفر هندی در آستانه مرگ قرار دارند ، از اینجهت دولت تصمیم دارد ، از صد و پنجاه ملیون گاو موجود در کشور ، برای رفع گرسنگی و نجات مردم از مرگ ، استفاده نماید ، ولی آیا هندوها که گاو را حیوان مقدس و مظهر خدایان ، میدانند ، بیکار نشستند ؟ ! البته نه ، تشنج و تظاهرات ، سراسر هندوستان را فرا گرفت ، کابینه دولت متزلزل شد ، آخر الامر ، جریان با برکناری و زیرکشور ، و انصراف دولت از کشتن گاوها ، خاتمه پیدا کرد (۳)

بنابراین - دنباله‌روی‌های غلط ، و خرافه پرستی بطور قطع محکمترین زنجیری است

(۱) سوره ص آیه ۵ (۲) مراجعه شود به کتاب : « از بردگی تا آزادی » - سرنوشت

دردآلود سیاهان (۳) کیهان ۱۷/۱۲/۴۵

که دست و پای تعقل بشر را می‌بندد و گسستن آن کار سهل و آسانی نیست .

راه‌های مبارزه با تقلید و خرافات در اسلام !

هنگامیکه نوراسلام ، از افق مکه درخشیدن می‌گرفت ، سرتاسر دنیای آنروز را غبار تیره‌ای از جهالت و اوهام و خرافات و دنباله روی‌های غلط ، فرا گرفته بود ، مردم آنچنان از واقعیات زندگی بی‌خبر بودند که نه تنها در خانه توحید (کعبه) سید و شصت بت وجود داشت بلکه طبق نوشته «آلبرماله» در کشور متمدنی مانند روم . . . ۳۰۰ ر . . . خدای رسمی ، مورد پرستش بود (۱)

مقدرات و سرنوشت مردم ، بدست گروهی از زمامداران خودسر ، و کاهنان و قیافه‌شناسان و پیشگویان ، تعیین می‌گردید. خرافات و افسانه‌ها و اساطیر ، و دنباله‌رویهای غلط ، سرتاسر زندگی آنان را فرا گرفته و در جمیع شئون حیاتی آنان ، رسوخ پیدا کرده بود (۲)

با آنکه اصل «محاکات و تلقین پذیری» ایجاب می‌کرد که پیغمبر اسلام مانند دیگران ، تحت تأثیر اجتماع ، قرار گرفته ، در خرافه‌پرستی و تقلید ، از آنان ، پیروی نماید ولی او نه تنها - برخلاف گفته‌دکتر «گوستاو لوبون» که می‌گوید : «یک فرد هر قدر هم ، هوشمند و پرورش یافته باشد ، در میان انبوهی از مردمان ، مقداری از استقلال خود را از دست می‌دهد و تابع فشار جمع و سلطه روحی اکثریت ، می‌گردد ، و مقدار استقلال فکری فرد ، در میان جمع ، ضعیف تر و تلقین پذیری او شدید تر می‌شود»- (۳)

تحت تأثیر افکار خرافی و تقلیدهای نادرست ، قرار نگرفت ، بلکه با حربه پولادین منطق و استدلال ، بجنگ خرافات و تقلیدهای نابجا رفت و مردم را از زیر بار این زنجیرهای گران ، نجات بخشید ، و آزادی فکر و وجدان بر آنها ارزانی داشت «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم» (۴) (محمد بار گران تکالیف شاق را از دوش آنان بر میدارد و زنجیرهایی که بدست و پای آنها بسته بود ، باز میکند).

پیغمبر اسلام ، برای محو آثار خرافه‌پرستی و تقلیدهای کور کورانه که مانند زنجیرهای محکمی ، دست و پای بشر را بسته داشت ، فرمود : «کل ما ثرة فی الجاهلیة تحت قدمی» یعنی با پدید آمدن اسلام ، تمام عقائد خرافی و تفوق طلبی های غلط ، نابود شده و زیر پای من قرار گرفته است» (۵).

اسلام ، برای نجات بشریت ، از زیر بار گران عقائد خرافی و تقلیدهای نادرست از راه‌های گوناگونی وارد شده که ما ذیلا به بعضی از آنها اشاره می‌نمائیم :

- (۱) تاریخ روم ج ۲ ص ۳۰ (۲) برای اطلاع از انواع خرافات و تقلیدهای کور کورانه دوران جاهلیت عرب ، مراجعه شود به جلد ۱۹ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ص ۴۰۸ - ۴۲۹ جلد دوم مروج الذهب ص ۱۳۲ - ۱۶۰
- (۳) آنسوی چهره‌ها ص ۴۲ (۴) سوره اعراف آیه ۱۷۵ (۵) سیره ابن هشام ج ۳ ص ۴۱۲

۱- عقیده و عمل ، باید متکی بدلیل روشن باشد : اسلام ، بر خلاف مذاهب دیگر ، که در مسائل اعتقادی و عملی ، صرف ایمان و تعبد را کافی میدانند ، معتقد است : هر عقیده و عملی تا مستند به منطق صحیح و برهان روشن ، نباشد ، مورد قبول و شایسته احترام نخواهد بود (۱) : **« قالوا لن يدخل الجنة الا من كان هوداً او نصارى تلك امانتهم قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین -** یهود و نصاری گفتند : هیچکس جز ما وارد بهشت نخواهد شد ، اینست آرزوهای آنها ، بگو : دلیلتان را بیاورید ، اگر راست میگوئید (۲)

اسلام ، برای صحت عقیده و ایمان نه تنها صرف تعبد و تقلید را درست نمیداند بلکه حتی گمان و تخمین را نیز کافی نمیشمارد و صریحاً اعلام میکند که حتماً عقائد اسلامی بایستی متکی به دلیل روشن و یقین باشد : « از چیزی که در باره آن ، علم و یقین نداری ، پیروی مکن ، زیرا گوش و چشم و دل ، همه اینها مسئولند » (۳)

بدیهی است ، هر گاه عقائد و رفتار مردم ، متکی به دلیل روشن ، و یقین باشد ، در آن صورت ، بساط خرافه پرستی و تقلید نادرست طبعاً برچیده خواهد شد .

۲ - اکثریت گمراه

بسیاری از خرافات و دنباله روی های غلط ، روی این اصل پدید آمده و یا باقی مانده است که پنداشته اند هر چه را که اکثریت مردم ، پذیرفته اند ، درست است و حال آنکه چه بسا ممکن است ، اکثریت مردم نیز ، در اثر عدم دقت ، و توجه کافی مرتکب خطا و اشتباه شده باشند بنا بر این چگونه میشود عقیده و یا عمل اکثریت را همیشه ملاک صحت ایمان و عمل دانست ؟! روی همین جهت است که خداوند به پیغمبرش میفرماید : « هر گاه از اکثریت مردم نابخرد ، پیروی کنی ، ترا از راه خدا گمراه خواهند کرد ، چون آنها جز از گمان و حدس ، پیروی نمیکنند » (۴) و در جای دیگر میفرماید : « بیشتر گمراهان ، جز از گمان پیروی نمیکنند و حال آنکه گمان نمی تواند آدمی را از حق بی نیاز سازد » (۵)

۳ - رهبران آلوده!

اسلام ، زمامداران خودسر ، و کاهنان ریا کار را که در اثر داشتن هدف مشترک استعماری سعی میکنند با نقشه های ماهرانه جلو آزادی افکار را گرفته مردم را بدنباله روی و خرافه پرستی ، عادت دهند ، مورد انتقاد شدید قرار داده است .

چهره واقعی دسته اول را اینطور معرفی میکند : « زمامداران خودسر ، بهر کشوری پا نهند ، آنجا را فاسد کرده ، آزادگان آن سرزمین را به ذلت اسارت میکشاند » (۷) و نیز در

(۱) فقهاء اسلام میگویند: عمل بدون اجتهاد یا احتیاط یا پیروی از مجتهد شایسته باطل است

(۲) بقره آیه ۱۱۱ (۳) اسراء آیه ۳۶ (۴) انعام آیه ۱۱۶

(۵) یونس آیه ۳۶. (۷) نمل آیه ۳۴

مقام انتقاد از فرعون ، میگوید : « **فاستخف قومه فاطعوه** : او نخست ، ملتش را پست و سبک مغز کرده آنگاه ملت باطاعت کور کورانه از او برداختند » (۱) .

و دربارهٔ کاهنان ریاکار و راهبان گمراه ، چنین میگوید : « بسیاری از پدران روحانی و زاهد نمایان یهود ، مال مردم را نابجا و بطور نامشروع میخورند ، و آنها را از راه راست باز میدارند » (۲) .

و برای آنکه مردم ، فریب رهبران گمراهی مانند : بازیگران فیلمها ، اجراء کنندگان برنامه های فضیلت کش سینماها ، بارها ، تئاترها و رادیوها ، طرح کنندگان مدهای دوران فضیلت ، و قهرمانان داستانهای بدآموز را نخورند و چشم و گوش بسته از آنها پیروی ننمایند ، افکار مردم را اینطور به قضاوت ، می طلبد : « **افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع ام من لا یهدی الا ان کیف تحکمون** - آیا کسی که بسوی حق و حقیقت رهبری میکند ، سزاوارتر است برای پیروی کردن ، یا آنکه راه بجائی نبرده و خود نیازمند برهبری است ، چگونه قضاوت میکنید ؟! » (۳)

اسلام ، برای آنکه مردم را آگاه کند که هر دنباله روی ای درست نیست و نمیشود هر عملی را که توده مردم ، و یا نیاکان و پیشینیان وزیرستان آنان ، و یا افراد سبیل اجتماع انجام میدهند ، صحیح و قابل پیروی دانست ، متذکر میشود که چه بسا اعمال آنان ناپسند و رفتار آنان نکوهیده و زشت است ، آیا در این صورت هم میشود ، - شم و گوش بسته از آنان پیروی نمود : « هنگامیکه با آنها گفته میشود : آنچه را که خدا مقرر فرموده ، پیروی نمائید ، میگویند : خیر ، ما فقط آنچه را از پدرانمان دریافته ایم ، پیروی مینمائیم . اگر چه پدران نشان ، هیچ نفهمند و راه بجائی نبرند ؟! » (۴)

اسلام ، فقط یکنوع از تبعیت را که همان پیروی جاهل در یک فن ، از دانشمندان و کارشناس مورد اعتماد همان فن باشد ، که خود یک امر فطری است و نظام اجتماعی نیز وابسته بان است ، مجاز شناخته و صحیح میداند ، شما اگر نیازمند بدرمان پزشکی باشید به پزشک مورد اطمینان مراجعه میکنید و نسخهٔ او را بدون چون و چرا مورد استفاده قرار میدهید ، در ساختمان به معمار مراجعه میکنید و در صنعت به متخصص آن ، و همچنین ...

این نوع ، تقلید که از لوازم زندگی اجتماعی است از نظر اسلام ، درست است قرآن میفرماید : « **فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون** (۵) - اتبعوا من لایسئلکم اجراً و هم مهتدون » (۶)

(۱) زخرف آیهٔ ۵۷ (۲) توبه آیهٔ ۳۴ (۳) یونس آیه ۳۵

(۴) بقره آیهٔ ۱۷۰ (۵) هر گاه چیزی را نمیدانید از اهلهش سؤال کنید (انبیاء آیهٔ ۷)

(۶) از کسانی که از شما مزدی نمیخواهند و خود راه سعادت را یافته اند ، پیروی کنید

(یس آیهٔ ۲۷) .